

وقتی کیفیت قربانی بقا می‌شود



امیر حیدری، دبیرکل انجمن مدیریت کیفیت ایران: نگرانی من به‌عنوان یک شهروند و دبیرکل انجمن مدیریت کیفیت ایران، رسیدن به وضعیتی است که در آن خانواده

برای گذران زندگی، بنگاه برای ادامه فعالیت و دستگاه اجرایی برای عبور از بحران روزانه، ناچار شوند از کیفیت صرف‌نظر کنند. عادی‌شدن چنین وضعیتی، هشداری جدی برای سلامت، ایمنی و آینده کشور است.

تورم، کاهش قدرت خرید، تحریم، دشواری مبادلات خارجی، محدودیت تأمین مواد اولیه و کمبود سرمایه را باید در ارتباط با یکدیگر دید. افزایش هزینه تولید به قیمت کالا منتقل می‌شود؛ خانوار خرید خود را کاهش می‌دهد؛ فروش بنگاه پایین می‌آید و توان آن برای پرداخت دستمزد، حفظ اشتغال، نوسازی تجهیزات و تأمین مواد اولیه مناسب محدودتر می‌شود. این چرخه می‌تواند هم معیشت مردم و هم ظرفیت تولید کشور را فرسوده کند.

نمونه نگران‌کننده آن، تغذیه است. سخنگوی انجمن صنایع لبنی از کاهش مصرف لبنیات و فشار هم‌زمان بر خانوارها و واحدهای تولیدی خبر داده است. پشت کاهش فروش شیر و ماست و پنیر، مسئله دسترسی مردم به غذای کافی و مغذی قرار دارد.

وقتی خانواده به‌دلیل تنگنای اقتصادی، لبنیات یا دیگر منابع مناسب مواد مغذی را از سفره خود کم می‌کند، باید پیامدهای بلندمدت آن را نیز دید. دریافت ناکافی کلسیم می‌تواند سلامت استخوان را تهدید کند و در بروز پوکی استخوان نقش داشته باشد. سلامت کودکان، جوانان و سالمندان را نمی‌توان به توان خرید روزانه خانواده واگذار کرد. هزینه‌ای که امروز برای تغذیه مناسب تأمین نمی‌شود، ممکن است فردا به شکل بیماری، ناتوانی و افزایش بار درمان به خانواده واگردد.

در حوزه دارو و درمان نیز افزایش هزینه‌ها، دسترسی را دشوارتر می‌کند؛ گزارش بررسی قیمت شماری از داروهای پرمصرف، نشانه‌ای از این فشار است. در کنار قیمت، تأمین به‌موقع دارو و پوشش مؤثر بیمه اهمیت دارد. معیار موفقیت باید این باشد که بیمار بتواند داروی موردنیاز خود را در زمان مناسب و با هزینه قابل‌تحمل دریافت کند. تأخیر در درمان یا چشم‌پوشی از آن به‌دلیل هزینه، خطری است که باید پیش از گسترش شناسایی و مهار شود.

همین نگاه درباره انرژی و تولید ضروری است. با نزدیک‌شدن به ماه‌های سرد، احتمال محدودیت گاز باید موضوع برنامه‌ریزی پیش‌دستانه باشد. اگر محدودیت انرژی به توقف تولید منجر شود، آثار آن می‌تواند در هزینه تمام‌شده، دستمزد، اشتغال، تعهدات صادراتی و اعتبار بنگاه ایرانی ظاهر شود. تولیدکننده تا کجا می‌تواند هزینه‌های تازه را به قیمت فروش اضافه کند، وقتی مشتری توان خرید بیشتری ندارد؟

در آموزش نیز تعطیلی یا انتقال اضطراری کلاس‌ها به فضای مجازی باید همراه با سنجش کیفیت یادگیری باشد. تکرار وقفه‌ها، بدون زیرساخت مناسب و برنامه جبران، می‌تواند فرصت آموزش، کار عملی و مهارت‌آموزی را کاهش دهد و نابرابری را بیشتر کند. مسئولیت ما حفظ فرصت‌های نسل فعلی است؛ نباید اجازه دهیم کمبود انرژی یا ضعف برنامه‌ریزی، از فرصت رشد آنان بکاهد.

این نگرانی به غذا، دارو و مدرسه محدود نمی‌شود. در مسکن، حمل‌ونقل، ایمنی محیط کار، آب، محیط‌زیست و خدمات شهری نیز باید پرسید فشار اقتصادی کدام نیاز ضروری را از دسترس مردم خارج می‌کند و کدام هزینه نگهداری یا اقدام پیشگیرانه به تعویق می‌افتد. هر تعویقی که امروز صرفه‌جویی به نظر می‌رسد، الزاماً به نفع اقتصاد و جامعه نیست.

اینجاست که کیفیت حکمرانی اهمیت پیدا می‌کند. تحریم و فشار خارجی، ضرورت آمادگی را بیشتر می‌کند. کشوری که سال‌ها با تنش و محدودیت خارجی روبه‌رو بوده، باید برای تداوم یا تشدید آن، سناریوهای اجرایی و برنامه جایگزین داشته باشد. پرسش روشن است: برای حفظ تأمین کالاهای ضروری، تداوم تولید، آموزش و خدمات عمومی چه برنامه‌ای آماده شده و نتیجه اجرای آن چگونه سنجیده می‌شود؟

انتظار، برنامه‌ای هماهنگ با مسئول مشخص، زمان‌بندی روشن و گزارش عمومی است: حمایت هدفمند از دسترسی مردم به تغذیه و درمان؛ تأمین سرمایه در گردش و مواد اولیه معتبر برای تولید؛ پیش‌بینی‌پذیرکردن مقررات واردات و صادرات؛ اعلام زودهنگام محدودیت‌های انرژی؛ و حفاظت از تداوم آموزش. تشکلهای تخصصی نیز باید در طراحی و ارزیابی این اقدامات نقش مؤثر داشته باشند.

هشدار من این است: اگر کیفیت در تصمیم‌های امروز قربانی بقا شود، هزینه آن فردا در سلامت مردم، توان نسل آینده، اشتغال و اعتماد عمومی پرداخت خواهد شد. حفظ کیفیت باید از معیارهای اصلی مدیریت بحران کشور باشد.



هزینه بالای تسهیلات بانکی، سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های تولید و فرآوری را محدود می‌کند



توسعه زنجیره ارزش به تأمین مالی پایدار و همکاری مؤثر دولت و بخش خصوصی نیاز دارد



توسعه زنجیره ارزش به تأمین مالی پایدار و همکاری مؤثر دولت و بخش خصوصی نیاز دارد



توسعه زنجیره ارزش به تأمین مالی پایدار و همکاری مؤثر دولت و بخش خصوصی نیاز دارد

از چالش‌های تأمین مالی تولید در ایران گزارش می‌دهد

زنجیره ارزش در تنگنای پول



شهناز صفایی

editor@smtnews.ir

تولید زمانی به رشد اقتصادی تبدیل می‌شود که محصول از مزرعه و کارخانه عبور کند، به مرحله فرآوری برسد و در نهایت راهی بازار مصرف یا صادرات شود. اما میان تولید محصول و شکل‌گیری یک زنجیره کامل ارزش، مانعی جدی قرار دارد: تأمین مالی. بنگاه‌ها برای توسعه ظرفیت تولید، خرید تجهیزات، ایجاد واحدهای فرآوری و دسترسی به بازارهای جدید، به سرمایه‌ای نیاز دارند که تأمین آن در شرایط دشوار اقتصادی، به یکی از چالش‌های اصلی فعالان بخش خصوصی تبدیل شده است. در چنین وضعیتی، مسئله فقط کمبود منابع مالی نیست؛ هزینه دسترسی به منابع، شرایط دریافت تسهیلات و الزام‌های بانکی نیز می‌توانند تصمیم بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری را تغییر دهند. هرچه تأمین مالی دشوارتر و پرهزینه‌تر باشد، اجرای طرح‌های توسعه‌ای با تأخیر بیشتری روبه‌رو می‌شود و پیوند میان تولید، فرآوری و صادرات شکل‌گیری کندتری پیدا می‌کند. **در این گزارش نگاهی دارد به مشکلات تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی که در ادامه می‌خوانید.**

صنعت زیر فشار هزینه‌های فراینده

فعالیت و عدد پایین‌تر از آن بیانگر افت نسبت به دوره قبل است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده از شامخ، در شهریور ۱۴۰۵ شاخص کل اقتصاد به ۴۶۲۰ و شاخص صنعت به ۴۸۰۵ رسید. قرار گرفتن هر دو شاخص زیر مرز ۵۰۰ از تداوم ضعف فعالیت در بخش‌های مورد بررسی حکایت دارد. با این حال، شامخ به‌تنهایی میزان تولید ملی یا نرخ رشد اقتصادی را مشخص نمی‌کند؛ بلکه تصویری از جهت حرکت فعالیت بنگاه‌ها و تغییرات فضای کسب‌وکار به دست می‌دهد.

اهمیت این نشانه‌ها زمانی بیشتر می‌شود که کاهش سفارش‌ها یا دشواری تأمین نهاده‌ها با افزایش هزینه تولید همراه باشد. در چنین وضعیتی، بنگاه‌ها ممکن است برای حفظ سطح فعلی فعالیت، از برنامه‌های توسعه‌ای خود صرف‌نظر کنند یا اجرای آنها را به زمان دیگری موکول سازند. این تصمیم‌ها در کوتاه‌مدت می‌تواند به حفظ نقدینگی کمک کند، اما در بلندمدت توان نوسازی و افزایش بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

■ **گره صنعت فقط کمبود پول نیست**

تأمین مالی یکی از نیازهای اساسی تولید است، اما مشکلات صنعت به دسترسی به اعتبار محدود نمی‌شود. ناپایداری انرژی می‌تواند برنامه تولید را برهم بزند؛ دشواری واردات مواد اولیه و تجهیزات، هزینه و زمان تأمین را افزایش دهد و تغییرات مکرر در مقررات یا شرایط تجارت، پیش‌بینی آینده را برای بنگاه‌ها دشوار کند. تحریم‌ها نیز از مسیر محدود کردن روابط تجاری و مالی و دسترسی به فناوری، بر فضای فعالیت اقتصادی فشار وارد

سرمایه‌گذاری، حلقه اتصال تولید و فرآوری

او ادامه داد: تأمین مالی زمانی می‌تواند به توسعه فعالیت اقتصادی کمک کند که بنگاه‌ها بتوانند در شرایط قابل‌قبول به منابع موردنیاز خود دسترسی داشته باشند.

مرادی تأکید کرد: هزینه تسهیلات و دشواری فراهم کردن وثیقه، دو مسئله‌ای هستند که در کنار یکدیگر می‌توانند روند اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری را با مشکل مواجه کنند. از نگاه او، اگر بنگاه برای دریافت منابع موردنیاز با موانع متعدد روبه‌رو باشد، پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای و تکمیل زنجیره‌های تولید دشوارتر خواهد شد.

وی افزود: بهبود شیوه تأمین مالی باید به‌گونه‌ای باشد که امکان فعالیت و سرمایه‌گذاری برای کسب‌وکارها فراهم شود. این موضوع به معنای محدود هم‌زمان به هزینه تسهیلات، شرایط دسترسی به منابع و نیازهای واقعی بنگاه‌هاست؛ عواملی که بر توان آنها برای گسترش تولید و فرآوری اثر می‌گذراند.

■ **تکمیل زنجیره ارزش؛ از تولید تا بازار**

این فعال اقتصادی با اشاره به نقش زنجیره ارزش در توسعه اقتصادی گفت: تکمیل زنجیره تولید می‌تواند زمینه فرآوری بیشتر، ایجاد ارزش‌افزوده و تقویت اشتغال را فراهم کند. او افزود: تقویت این زنجیره‌ها همچنین می‌تواند به تأمین نیاز بازار داخلی و گسترش ظرفیت صادراتی محصولات ایرانی کمک کند.

مرادی خاطرنشان کرد: تولید اولیه، به‌تنهایی همه ظرفیت اقتصادی یک محصول را نشان نمی‌دهد و بخش مهمی از ارزش آن در مراحل بعدی، از جمله فرآوری و آماده‌سازی برای عرضه به بازار ایجاد می‌شود. به گفته او، ایجاد ارتباط میان این مراحل

توسعه صنعت تنها به افزایش تعداد واحدهای تولیدی یا بالا رفتن حجم محصول محدود نمی‌شود. آنچه به تولید قدرت ماندگاری می‌دهد، توان تبدیل مواد اولیه به محصولی با ارزش‌افزوده بیشتر و رساندن آن به بازار است. تحقق این هدف، به سرمایه‌گذاری در حلقه‌های مختلف تولید، فرآوری، نگهداری، توزیع و صادرات نیاز دارد. در این میان، تأمین مالی یکی از عوامل تعیین‌کننده است؛ اما منابع مالی زمانی به رشد اقتصادی کمک می‌کنند که دسترسی به آنها با هزینه قابل‌تحمل و شرایط متناسب با نیاز بنگاه‌ها همراه باشد. تسهیلات گران و الزام‌دشوار بانکی می‌توانند برنامه‌های توسعه‌ای را به تأخیر بیندازند و توان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی



می‌کنند. بانک جهانی در گزارش‌های خود درباره اقتصاد ایران، محدودیت‌های ساختاری، تحریم‌ها و چالش‌های بخش انرژی را از عوامل مؤثر بر چشم‌انداز رشد اقتصادی مطرح کرده است.

در این میان، سرمایه در گردش اهمیت ویژه‌ای دارد. حتی بنگاهی که سفارش کافی دارد، اگر نتواند مواد اولیه را به‌موقع بخرد یا هزینه‌های جاری خود را تأمین کند، ممکن است با کاهش تولید روبه‌رو شود. هنگامی که منابع محدود صرف جبران هزینه‌های روزانه می‌شوند، سرمایه کمتری برای ارتقای فناوری، آموزش نیروی انسانی و بهبود کیفیت باقی می‌ماند.

این فشارها در زنجیره‌های تولید شدیدتر خود را نشان می‌دهند. تبدیل مواد خام به محصول نهایی، به شبکه‌ای از فعالیت‌های مکمل در حوزه فرآوری، بسته‌بندی، انبارداری، حمل‌ونقل و بازاریابی نیاز دارد. اختلال در هر حلقه می‌تواند کارایی حلقه‌های دیگر را نیز کاهش دهد و مانع دستیابی به ارزش‌افزوده بیشتر شود.

عبور از این وضعیت، به مجموعه‌ای هماهنگ از اقدامات نیاز دارد: ثبات بیشتر در سیاست‌گذاری، تأمین قابل پیش‌بینی انرژی و مواد اولیه، دسترسی مناسب به منابع مالی و کاهش موانع سرمایه‌گذاری. تقویت صنعت زمانی معنا پیدا می‌کند که بنگاه‌ها، علاوه بر ادامه فعالیت، فرصت توسعه و نوسازی نیز داشته باشند. در نهایت، معیار موفقیت نه صرفاً حفظ کارخانه‌های موجود، بلکه افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال پایدار و توان تولید کالاهایی رقابت‌پذیرتر در بازارهای داخلی و خارجی است.



به سرمایه‌گذاری و منابع مالی مناسب نیاز دارد و نبود منابع کافی می‌تواند مانع شکل‌گیری زنجیره‌های کامل شود. وی ادامه داد: هنگامی که امکان سرمایه‌گذاری در مراحل مختلف زنجیره فراهم باشد، بنگاه‌ها می‌توانند فعالیت خود را از تولید اولیه فراتر ببرند و ظرفیت بیشتری برای فرآوری و عرضه محصول ایجاد کنند. این روند، علاوه بر ایجاد ارزش‌افزوده، می‌تواند به توسعه اشتغال و تقویت توان پاسخگویی به تقاضای بازار کمک کند.

مرادی با بیان اینکه توسعه زنجیره ارزش نیازمند همکاری میان بخش خصوصی و دولت است، افزود: فعالان اقتصادی برای پیشبرد طرح‌های خود به فضایی نیاز دارند که امکان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در آن وجود داشته باشد. او تأکید کرد: اعتماد بیشتر دولت به بخش خصوصی و فراهم کردن زمینه همکاری، می‌تواند به استفاده بهتر از ظرفیت‌های موجود کمک کند.

این کارشناس حوزه صنعت در پایان ابراز امیدواری کرد که با بهبود شرایط اقتصادی و افزایش هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی، زمینه تقویت سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری زنجیره‌های کامل ارزش در محصولات مختلف فراهم شود. وی تسهیل تأمین مالی، کاهش موانع دریافت تسهیلات و تقویت همکاری دو بخش را از الزامات این مسیر دانست و گفت: حرکت در این جهت می‌تواند به افزایش تولید، توسعه فرآوری، ایجاد اشتغال و تقویت حضور محصولات ایرانی در بازارهای صادراتی کمک کند.

سخن پایانی

را کاهش دهند. از سوی دیگر، تأمین مالی به‌تنهایی برای تکمیل زنجیره ارزش کافی نیست. ثبات در سیاست‌گذاری، زیرساخت مناسب، دسترسی به انرژی و مواد اولیه و امکان حضور در بازارهای داخلی و خارجی نیز باید فراهم باشد. مسیر تقویت صنعت از پیوند میان این عوامل می‌گذرد. همکاری دولت و بخش خصوصی، در کنار اصلاح موانع تأمین مالی، می‌تواند زمینه استفاده بهتر از ظرفیت‌های تولیدی را فراهم کند. نتیجه چنین رویکردی، در صورت اجرای مؤثر، افزایش ارزش‌افزوده، ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت توان رقابتی محصولات ایرانی خواهد بود.